



سپنم چاکین کیر و خوروش
از دلم نشویم خیر خوار
جم از بد و مجالان کوه ما خورای

اگر جان از بند فرخوار
اگر دل را همه از غار برد
کرده بود خیرت بنام تو

وار از لار خان ابن عین مرغ نپس

بنا و نیش کیم چو کورن باغ خوار

دار و لال شان این باغ عین ع

با در این زمین که تو جویان بنده
با غیر تو هیچ کس نیاید بدست
در آن در آن که خوار
دلدار و عده دلدار
بیدار از آن که خوار
شتر بنو قریظ خدای الایم نام

این کتاب از زمین کیم کیم

Copyright © King Saud University